

# معرفی کتاب

اکرم علیخانی  
دبیر تاریخ منطقه ۹ شهر تهران

## ژئوپلیتیک تاریخی ایران

مؤلف: دکتر یار محمد بای، دفتر پژوهش‌های فرهنگی

چاپ اول، ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛ تعداد صفحات: ۱۱۶ ص

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

رویکرد جغرافیای تاریخی بر نظام‌های سیاسی تاریخی است. هدف این کتاب پیوند بیش‌تر بین زمان و مکان در اندیشه‌ی تاریخی ایرانیان است.

کتاب حاضر، در پنج فصل، ژئوپلیتیک ایران را از دوره‌ی باستان تا دوره‌ی پهلوی بررسی می‌کند.

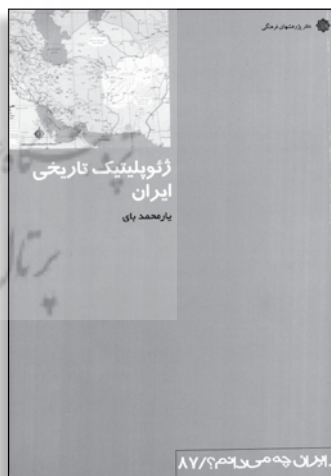
مؤلف در فصل اول، تاریخ ژئوپلیتیک باستان را بررسی کرده و آورده است که ژئوپلیتیک در امپراتوری هخامنشیان، حائز اهمیت فراوانی بوده است. هخامنشیان به جز آتن، اسپارت و چین، دیگر قلمروهای جهان آن روز را تحت تسلط خویش داشتند. آنان تک قطبی نبودند، بلکه جهان وطنی بودند. کورش کبیر هم‌زیستی فرهنگی و تساهل مذهبی با رقیبانش را ایجاد کرد و پس از او با تقسیم سرزمین ایران به ساتراپ‌های متعدد، با سازمان اداری مستقل و مجزا، حکومت در ایران مفهومی ژئوپلیتیک یافت. کوروش با دستور ترسیم نقشه‌ی کشورهای متمدن روی صفحه‌ی برنزی، نخستین نقشه‌ی جغرافیایی را که گویای جزئیات در تاریخ بشر است، کشید.

تغییر پایتخت‌ها در دوره‌ی هخامنشی، از نشانه‌های مهم ژئوپلیتیک تاریخی ایران زمین است و ایران از این نظر در جهان آن روز سرآمد بود. پس از هخامنشیان، دیگر جهان تک قطبی نبود، بلکه بین دو امپراتوری روم و ایران تقسیم و اولین نظام تاریخی دو قطبی بر جهان حاکم شد.

نویسنده، شکست رومیان از اشکانیان را از نقاط مهم ژئوپلیتیک تاریخی ایران دانسته است. پس از اشکانیان، ساسانیان نیز به جنگ با رومیان، به‌خصوص در زمان شاپور اول، ادامه

این کتاب در پی آن است تا در فهم بیش‌تر ژئوپلیتیک ایران زمین قدم بردارد و پیوند میان جغرافیای تاریخی و تأثیر سیاست بر جغرافیای تاریخی و فرهنگی ایران زمین و تداوم فرهنگی آن در پیوند با سیر تاریخی و تحولات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی را مورد بازشناسی قرار دهد.

ژئوپلیتیک تاریخی مطالعه‌ی تأثیر مکان بر سرگذشت تاریخ و تمدن است که براساس روش‌های جدید در پژوهش، همان



دادند. در زمان هرمز دوم، مهم‌ترین رخداد ژئوپلیتیکی که به وقوع پیوست، حمله‌ی اعراب به کرانه‌های جنوبی ایران و اشغال بحرین بود که به تحریک رومیان انجام شد. مؤلف در این قسمت به بررسی مهم‌ترین مسائل ژئوپلیتیک تاریخی ایران در زمان پادشاهان ساسانی پرداخته است.

فصل دوم به ژئوپلیتیک سرزمین و حکومت ایران از ظهور اسلام تا صفویه اختصاص دارد. در این فصل، نگارنده ورود اسلام به ایران و تشکیل قلمرو فرهنگی و تمدنی ایرانی - اسلامی را مسبب حاکمیت حکومت اسلامی از نظر ژئوپلیتیک بر قسمت اعظمی از جهان دانسته است و تبعات ظهور دین اسلام، به عنوان مهم‌ترین عامل تحولات ژئوپلیتیکی بر پیکره‌ی نظام سیاسی ایران را بسیار چشمگیر می‌داند. ژئوپلیتیک ایران در دوره‌ی غزنوی را ارتقای نظام سیاسی به شکلی از حکومت ملوک‌الطوایفی عنوان کرده و این حکومت را اولین حکومت مقتدر پس از اسلام در درون ایران دانسته است. سلجوقیان از نظر ژئوپلیتیکی به گسترش ایران کمک کرده‌اند. تهاجم مغولان به ایران، آغاز ژئوپلیتیک اردونشینی در ایران است و تیموریان ژئوپلیتیک تاریخی ایران را با تکیه بر بنیان‌های فرهنگی احیا کردند.

در این مبحث، مؤلف کوشیده است تا تأثیرات ژئوپلیتیک را در دوره‌های گوناگون بررسی کند.

فصل سوم به بیان ژئوپلیتیک تاریخی ایران در عصر جدید می‌پردازد. نگارنده در این فصل ایجاد سرزمینی منسجم، پس از نه قرن سلطه‌ی بیگانه در ایران را مهم‌ترین رویکرد ژئوپلیتیکی دوره‌ی صفویه دانسته است، سلسله‌ی صفویه موفق به احیای هویت فرهنگی، تمدنی و تمرکز سیاسی شد و از این زمان، ژئوپلیتیک جدید سیاسی و مذهبی ایران شکل گرفت. در دوره‌ی افشاریه با روی کار آمدن **نادرشاه**، ژئوپلیتیک تاریخی تشکیل شد و در عصر زندیه با تغییر نظام سیاسی از متمرکز به غیرمتمرکز و سرکوب شورش‌ها، ژئوپلیتیک حکومت محلی ایران شکل گرفت.

ورود دریاسالاران پرتغالی به سواحل ایران در دوره‌ی صفویه، مهم‌ترین اتفاق ژئوپلیتیکی آن دوره محسوب می‌شد. ایران از قدیم‌الایام چهارراه دنیای متمدن و مرکز رفت‌وآمد کاروان‌ها بوده است. اقدام عثمانی در فتح قسطنطنیه که به بستن مسیر بازرگانی شرق و غرب انجامید، تلاش اروپاییان را برای یافتن راهی به منظور رسیدن به مشرق زمین بیشتر کرد و موقعیت ژئوپلیتیک ایران، مهم‌ترین هدف استعماری اروپاییان در رسیدن به این خواسته، به‌خصوص رسیدن به هندوستان، و کسب منافع از این سرزمین زرخیز شد. راهبرد کنترل ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خاص آن، توسط پرتغال، الگوی تمام مستعمرات جهان شد. گرچه ورود البوکرک پرتغالی به

خلیج فارس را مبدأ ژئوپلیتیک تاریخی ایران در عصر جدید می‌دانند، ولیکن ایرانیان میراث‌دار ژئوپلیتیکی، به بلندای تاریخ کهن خود هستند. مؤلف در این قسمت، اوضاع ایران را از نظر جغرافیای تاریخی در زمان پادشاهان صفویه و هم‌چنین از نظر ژئوپلیتیک مرزها در این دوره بررسی کرده است. وی سلسله‌ی صفویه را از دو جهت نقطه‌ی عطف ژئوپلیتیک تاریخی ایران حساب می‌کند: یکی از مهم‌ترین آن‌ها شیعه بودن ایران و دیگری آن‌که زمان ورود اعراب، این سرزمین بخشی از امپراتوری پهناور بوده است.

نویسنده، سپس به بررسی ژئوپلیتیک ایران در عصر نادرشاه و سپس عصر کریم‌خان زند پرداخته است.

فصل چهارم، ژئوپلیتیک ایران در عصر قاجار را بررسی می‌کند. نویسنده این عصر را به دو دوره، یکی تا پیروزی مشروطه و دیگری در یک سده‌ی اخیر که دوره‌ی نظام مشروطه و قانون‌گذاری به شمار می‌آید تقسیم کرده است. ویژگی مهم ژئوپلیتیک ایران در عصر قاجار در حیطه‌ی نظام سیاسی داخلی، حفظ نظام دیوان‌سالاری است. از نظر ژئوپلیتیک داخلی، خصوصیت عمده‌ی دیوان‌سالاری موروثی نظام قاجار، اسراف منابع ملی بوده است. قدرت در ژئوپلیتیک این دوره به سیستم ایلخانی وابستگی زیادی داشت. نویسنده معتقد است، ماهیت ژئوپلیتیک سده‌ی اخیر ایران تلاش برای ساخت دولت مدرن مطلقه در درون جامعه‌ی مدنی ضعیف آن بوده است.

بخشی از این فصل، به بررسی موقعیت ایران در معادلات ژئوپلیتیک امپریالیسم اختصاص یافته است.

در این قسمت آمده است که پس از قرن نوزدهم، ایران به دلیل ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی و ژئوپلیتیکی‌اش حائز اهمیت بود و بدین شکل در چنبره‌ی توطئه‌ها، تاکتیک‌ها و معاملات گسترده‌ی قدرت‌های بزرگ واقع شد. روس‌ها طبق معاهداتی، بخش‌های شمالی ایران را در ید قدرت استعماری خود قرار دادند و انگلستان نیز چون در هند منافی داشت، ایران را به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی و دسترسی به هندوستان، مورد توجه قرار داد و این دو قدرت، طبق معاهداتی، قسمت‌هایی از ایران را تصرف کردند. این‌گونه بود که ایران صحنه‌ی رقابت دو قدرت بزرگ امپریالیستی شد.

فصل پنجم، ژئوپلیتیک ایران در دوره‌ی پهلوی را نشان می‌دهد. نگارنده پس از آن‌که ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، میلیتاریسم و دولت‌پادگانی، بیگانه‌گرایی و سکولاریسم را از مهم‌ترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک ایران در دوره‌ی پهلوی نام برده است، به نفوذ آمریکا در ایران دوره‌ی پهلوی نسبت به دیگر قدرت‌ها اشاره کرده است. وی بدبینی سیاسی و بی‌اعتمادی، ناامنی و سوءاستفاده‌های بین افراد را مهم‌ترین ارکان فرهنگ سیاسی ایران دانسته و آورده است که در این دوره، ژئوپلیتیک

خارجی وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و ژئوپلیتیک‌های قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا، ایران را به ابزاری برای تأمین منافع بیگانگان تبدیل کرده و جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیک ایران در عرصه دیپلماسی در این دوره، به مقدار زیادی ناشی از عنصر سنتی همرا با تفکرات جدید بوده است.

رضاشاه که به دنبال ایجاد دولت بوروکراتیک و تمرکزگرایی نوین بود، با نیروهایی روبه‌رو شد که اقتدار دولت مدرن او را تهدید می‌کردند. بنابراین از سر راه برداشتن خوانین قدرتمند ایلی و نیروهای تمرکزگرایان را از مهم‌ترین اهداف خود در اوایل حکومتش قرار داد. رضاشاه در برابر شوروی، موضعی مبتنی بر قدرت مرکزی از خود نشان داد و با تمایل به سوی آلمان‌ها کوشید نفوذ بریتانیا و روسیه را متوازن سازد که البته بی‌نتیجه بود و هر دو کشور، در جنگ جهانی ایران را اشغال کردند. موقعیت ژئوپلیتیک و راهبردی ایران در جنگ جهانی دوم، که بهترین راه کمک متفقین به شوروی در مقابل آلمان بود، موجب اشغال نظامی ایران توسط قوای متفق شد.

در ادامه، مؤلف موضوعاتی چون ژئوپلیتیک قدرت بزرگ در میان اتحاد سه گانه، دکترین نیکسون و تبعات ژئوپلیتیک آن برای ایران، استراتژی ژئوپلیتیک موازنه‌ی منفی مصدق، ژئوپلیتیک بی‌طرفی و انزوا، و ژئوپلیتیک خدایان زمینی (حاکمان) در ایران را بررسی کرده است.

### پژوهشی درباره‌ی ضرورت‌های مطالعه‌ی تاریخ

مؤلف: امیر کلبعلی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸

انتشارات: ولی، قم

تیراژ ۲۰۰۰ نسخه؛

تعداد صفحات: ۲۲۱ ص

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

مجموعه‌ی مذکور به

منظور بیان اهمیت و ضرورت

مطالعه‌ی تاریخ تهیه شده است.

مؤلف با بیان توجه برخی

از بزرگان به تاریخ، حتی

پرداختن قرآن مجید به قصص

تاریخی، به ضرورت مطالعه‌ی این علم، توجه ویژه داشته است. کتاب حاضر در هفت فصل گردآوری شده است:

فصل اول تعریف تاریخ، تمدن، فرهنگ، تاریخ‌نویسی و مکاتب تاریخ‌نگاری و قوانین حاکم بر آن در جهان را بررسی می‌کند.

در فصل دوم، نگارنده ارتباط تاریخ با سایر علوم و دانش‌ها مانند فیزیولوژی، پزشکی، مردم‌شناسی، ژنتیک،

جغرافیا، علوم طبیعی و همچنین وظایف مورخ، آشنایی با میراث فرهنگی ایران و دشمنان تاریخ، فایده‌های توجه به تاریخ و نقش این علم در ایجاد تفاهم با ملت‌ها را مطرح کرده است.

در فصل سوم، مؤلف ضمن نگاهی اجمالی به دوره‌های اسلامی و قبل از اسلام در ایران، نقش تاریخ در تاریخ‌ساز کردن ملت‌ها، فایده‌ی لذت‌بخشی از تاریخ و عقوبت‌های بی‌توجهی به تاریخ را از نظر مورخان، فلاسفه و قرآن کریم بیان می‌کند و سپس به جایگاه تاریخ در نزد سلاطین، حکام و رهبران تشیع و به نقش تاریخ در تقویت قوه‌ی قضاوت می‌پردازد.

در فصل چهارم، نویسنده فایده‌های تاریخ از جمله عبرت‌آموزی، تجربه‌اندوزی، ایجاد علاقه‌مندی به وطن، گسترش افق دید انسان، ارضای حس کنجکاوی و آینده‌نگری را ذکر کرده است.

در فصل پنجم، به جایگاه علمی، فرهنگی و تمدنی ایران باستان در جهان و نقش تاریخ در شناسایی فرهنگ و تمدن گذشته‌ی ایران توجه کرده و آثار باستانی را سند افتخار فرهنگی و ملی ایران دانسته است. در ادامه، به تمدن و فرهنگ درخشان ایران در دوره‌ی باستان و دوره‌ی اسلامی، و نقش شخصیت‌های مهم در تاریخ ایران، نقش تاریخ در شناسایی علل عقب‌افتادگی ایران و شناساندن علل شکست شاهان و امیران و در آخر به شناساندن چهره‌ی جنایتکاران تاریخ، توجه کرده است. فصل ششم، به بیان فایده‌ی تاریخ برای سیاست‌مداران، سلاطین و رهبران می‌پردازد و نیز به نقش تاریخ در:

- تقویت هویت ملی و دینی

- ایجاد اتحاد و هم‌بستگی ملی ایرانیان

- ایجاد خودآگاهی به خویشتن

- افزایش توان تحلیل سیاسی در ایران

- شناخت ریشه‌ها و تحولات ارضی و مرزی ایران

- شناخت راز بقای فرهنگ و تمدن ایرانی

- درک بهتر زمان حاضر

فصل هفتم، جایگاه تاریخ را در شناساندن راه‌های پیشرفت ایران و نقش تاریخ در شناساندن و معرفی مبارزات نیاکان ما با بیگانگان، در ترفندها و جنایات استعمارگران، در ایجاد غرور ملی، و در ایجاد علو طبع انسان بیان کرده است. در انتها، به فایده‌های تاریخ برای اصناف گوناگون اشاره کرده و سپس جایگاه تاریخی دین را در ساختن انسان و تمدن، و نیز فایده‌ی خودسازی و تربیتی تاریخ را بیان کرده است.

در آخر کتاب، مؤلف نتیجه‌گیری انجام داده و البته در پایان هر فصل هم پی‌نوشت‌هایی آن را آورده است. در مجموع، با کلامی ساده و خلاصه و با استفاده از منابع مناسب، ضرورت‌های مطالعه‌ی تاریخ را بیان کرده است.



مؤلف: امیر کلبعلی